

## **An introduction to the status of women in positions of power Case study of women's situations in Islamic Republic of Iran**

**Ashraf Boroujerdi\***

### **Abstract**

Political involvement of women in high rank administrative positions such as presidency and other influential positions has led to movements such as feminism which aims at establishing women's rights in all aspects of social life including political as well economical and defending equal opportunities for women.

In this study we discuss the necessity of involvement of women in political occupations and argue that such involvement is not in contradiction with the principles of Islam and the rules of Sharia. There have been three different points of views in this respect; one that believes that women governance is not permitted under the Islamic law, the other that believes it is logically paradoxical and the third one that rejects sexual discrimination. Women political situations in Islamic Republic of Iran are shaped by the first and second point of views.

**Keywords:** politics, power, governance, intellectual involvement, public involvement, sexuality.

\* Assistant Professor of Faculty of Social Studies, Institute for Humanities and Cultural Studies, Head of the National Library and Archives of Iran, abrujerdi@yahoo.com

Date received: 13/02/2021, Date of acceptance: 18/09/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## درآمدی بر جایگاه زنان در مناصب قدرت (مطالعه موردی زنان در جمهوری اسلامی ایران)

اشرف بروجردی\*

### چکیده

مشارکت سیاسی زنان و واگذاری مسئولیت در حوزه مدیریت و ریاست اعم از ریاست‌جمهور و یا مسئولیت‌هایی که قدرت اعمال نفوذ و اثربخشی حضور آنان را معنادار می‌سازد، از گذشته بحث محافل سیاسی، دینی و مطالبه زنان قدرتمند و توانمند بوده است. با طرح این سؤال که آیا دیدگاه‌های اسلامی مانعی است برای حضور زنان در قدرت و آیا حضور زنان در قدرت یک امر واجب است و یا اقتضای جهان امروز و ضرورت این حضور است که این مطالبه را شکل داده‌است؟ تا جایی که منجر به بروز دیدگاه‌ها و رفتارهایی شده که حاکی از تلاش برای جبران کمبودها و نادیده‌گرفتن‌ها برای رسیدن به مناصب قدرت در عرصه سیاست شده‌است. مثل بروز مکتب فمینیسم و یا سهمیه‌خواهی، برابری‌خواهی و اجرای تساوی برای آنان در همه زمینه‌ها. در این مطالعه که با روش مطالعه میدانی، تجربه‌زیسته و منابع کتابخانه‌ای تدوین شده به اثبات ضرورت حضور زنان در مناصب حکومتی و عدم مغایرت مبانی دینی در اسلام به این موضوع پرداخته شده است. حاصل بررسی موضوع نشان می‌دهد که زنان در ج.ا.ا. علیرغم همه تلاش‌های خود موفق به حضور در مناصب قدرت و مدیریت کلان کشور نشده‌اند و عوامل این امر قوانین و مقررات مربوط به احزاب و نگاه مردسالارانه در بهره‌مندی از توان زنان است.

\* استادیار، پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، رئیس سازمان

اسناد و کتابخانه ملی ایران، abrujerdi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۷

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

**کلیدواژه‌ها:** سیاست، قدرت، حاکمیت، مشارکت توده‌ای، مشارکت نخبگان، جنسیت.

## ۱. مقدمه

دستیابی به قدرت و مدیریت کلان جامعه همواره موضوع مورد مناقشه فعالان سیاسی، احزاب و ساختار سیاسی جامعه بوده است. چون در واقع مصلحان دینی که جامعه هدفشان شکل‌گیری یک حکومت دینی است نیز معتقدند که اجرای احکام دینی با برخورداری از ابزار قدرت محقق خواهد شد (خمینی، ۱۳۷۵: ج ۲۰، ۱۱۴) اگرچه قدرت فی‌نفسه مفسده‌هایی به همراه دارد اما چون هدف بالاتری را می‌توان از خلال دستیابی به آن تحقق بخشید، بهره‌مندی و بهره‌گیری از قدرت نه تنها بد نیست که خیلی هم اثربخش و کارآمد است. قدرت سیاسی و مناصب مدیریتی در طول تاریخ همواره برای مردان فراهم شده و زنان، از دسترسی به قدرت محروم بوده‌اند. با افزایش آگاهی‌ها و بالطبع افزایش مطالبات زنان امروز، این سؤال مطرح است که سهم زنان از قدرت و حضور در مناصب سیاسی و حکومت‌داری در ایران پس از انقلاب اسلامی چیست؟

میزان و نوع «مشارکت» سیاسی زنان البته پیش از این مورد نزاع بود که با تلاش‌های پیگیر فعالان حقوق زن بحمدلله رفع شده و امروز موضوع «سهم» زنان از قدرت و سیاست در محل نزاع و مطالبه زنان در جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. از نقطه نظر فقه و فقهای اسلامی براساس برخی روایات مثل: روایتی از قول پیامبر (ص) می‌فرماید: «أَنَّ يُفْلِحَ قَوْمٌ وَلَوْ أَمْرَهُمْ إِمْرَأَةٌ» همواره این ایده مطرح بوده که زنان نباید در حکومت و قدرت حضور داشته باشند و ریاست جامعه را نباید بعهده بگیرند (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق: ج ۳۴، ۱۰۷؛ البخاری، بی‌تا: ج ۹، ۵۵). پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی در ایران اُفق‌های تازه‌ای در حوزه این بحث بروز یافت. با این همه حضور گسترده و نقش بی‌بدیل زنان در پیروزی انقلاب و نیز تأثیر سازنده ایشان در عرصه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران ضرورت تجدید نظر در دیدگاه پیشین فقها را ایجاد نمود. در واقع زنان مسلمان، این ایده را مطرح نمودند که آموزه‌های قرآن کریم هیچگونه منعی در رابطه با مناصب مدیریتی زنان در جامعه بیان نکرده است. پیش از آن ظاهر برخی آیات قرآن، این معنا را افاده می‌کند که اتفاقاً زنان، مدیران و حاکمان خوبی برای جوامع مختلف بوده‌اند (آیات ۲۳ تا ۴۴ سوره نمل، داستان بلقیس). سیره نبوی و چگونگی تعامل

پیامبر (ص) با زنان به ویژه ماجرای بیعت با زنان که در آیه ۱۲ سوره ممتحنه بازتاب داشته نیز این ایده را تقویت کرده که مدیریت و ولایت زنان از نگاه قرآن و سنت منعی ندارد. در واقع بحث مربوط به عدم شایستگی زنان برای حکومت و ولایت صرفاً به حدیثی از سوی شخصی به نام ابوبکره مستند می‌گردد. این حدیث از سوی عالمان مسلمان مورد نقادی قرار گرفته است (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به فضل‌الله، ۱۳۹۴). از سوی دیگر، زنان مسلمان با توجه به توانمندی‌های خود و حضور در مناصب مدیریت متقاضی تجدید نظر علما در فناوای خود شدند و به بحث جایگزینی احکام ثانویه متوسل شدند و این مسأله را ناممکن ندانستند بلکه آن را منوط به ایجاد شرایط مناسب و ضرورت‌ها و مصلحت‌ها دانستند و فقها و علما نیز موضوع اجرای احکام ثانویه و جایگزینی احکام اولیه را که برای مصالح نظام اسلامی و حفظ و بقای آن می‌توان احکام ثانویه‌ای را بر حسب ضرورت زمان جایگزین احکام اولیه کرد و نقش زمان و مکان و حوادث مستحدثه را در صدور احکام فقهی قرار داد مستغرب ندانستند (مشکینی، ۱۳۸۶: ۱۲۴) لذا مباحث حوزه‌های علمیه که در طی سالیان متمادی عمده‌تاً به جنبه‌های نظری احکام پرداخته و توجهی به پاسخ‌گویی به شبهات مطرح شده و نیاز زمان نداشتند با مطرح شدن مطالبه زنان شکل جدیدی به خود گرفت حتی با وجود اینکه برخی از علما احکام فقهی و مبانی دینی را فراتر از نیازهای روزمره جوامع بشری می‌دانستند اما همچنان بسیاری از فقها از پرداختن به این موضوع پرهیز داشته و یا حتی برخی از آنها مجوزی برای حضور زنان در مدیریت کشور را جایز نمی‌دانستند از سویی دیگر زنانی هم هستند که بر این اندیشه و باور قرار گرفته‌اند که مباحث مربوط به حوزه زنان آنقدر وسیع و فراگیر است و مسائل مهم‌تری را شامل می‌شود که موضوع حضور آنان در قدرت و حکومت جایی برای طرح و عرض‌انداز ندارد. در حالی که اگر موضوع زنان در قدرت و حکومت مغفول واقع شود احتمالاً می‌تواند اصل مشارکت سیاسی- اجتماعی زنان را به تدریج از حافظه جامعه و از قرار گرفتن در فعالیت‌های اجتماعی خارج نماید اما اینکه چرا با وجود نگاه‌های نفی‌کننده، حضور زنان در قدرت و سیاست به این موضوع پرداخته می‌شود عمده‌تاً برای ایجاد زمینه بحث و بررسی بیشتر و برای رفع برخی شبهات عارض بر موضوع می‌باشد. شاید این مقدمه‌ای باشد برای اهل نظر جهت پاسخ‌گویی به شبهات لذا اگرچه در جهان اسلام قرارگرفتن زنان در مناصب تصمیم‌گیری آنهم با صبغه دینی قدری بعید به نظر می‌رسد اما از آن‌جا که در برخی کشورهای اسلامی همچون پاکستان و بنگلادش این امر

مسبق به سابقه است (بی نظیر بوتو در پاکستان، خالده ضیاء در بنگلادش و...) احتمال این که در آینده کشورهای اسلامی دیگر نیز با این پدیده روبه‌رو باشند دور از ذهن نیست. به هر حال در این مطالعه به بررسی وضعیت مشارکت سیاسی غیرتوده‌ای و به عبارتی مشارکت نخبگان در جامعه ایران و سهم آنان از قدرت پس از انقلاب اسلامی ایران پرداخته خواهد شد و مشارکت سیاسی توده‌وار همچون شرکت در انتخابات برای رأی‌دادن، شرکت در راهپیمایی‌ها و تظاهرات موضوع بحث این مطالعه نیست حتی موضوع شرکت در فعالیت‌های نخبگی همچون عضویت در احزاب و تشکل‌های سیاسی، کاندیداتوری برای عضویت در پارلمان و یا شوراهای محلی نیز موضوع بحث این مطالعه نیست بلکه آنچه بیشتر مورد نظر است واگذاری مسئولیت‌های اجرایی در سطوح عالی تصمیم‌گیری توسط صاحبان اصلی قدرت به زنان و یا ایجاد فرصت و زمینه لازم برای تصدی مسئولیت‌هایی برای زنان قدرتمندی است که امکان حضور در قدرت را دارند. به تجربه ثابت شده است که بهترین موقعیت برای حضور در عرصه تصمیم‌گیری کلان در یک نظام سیاسی، حضور در قوه مجریه و عرصه مدیریت جامعه است. بنابراین برای رسیدن به این موقعیت ابتدا به بررسی عوامل تسهیل‌کننده حضور زنان در قدرت از جمله اصلاح نگرش دین باوران و مدیران اجرایی به ضرورت حضور زنان در مناصب حکومتی پرداخته شده است. سپس نگاهی اجمالی خواهیم داشت به مبانی فقهی و دینی که دین‌داران بر اساس آن به قضاوت پرداخته‌اند و نهایتاً عوامل عدم مشارکت سیاسی زنان و ملزومات دستیابی به قدرت و حاکمیت زنان مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۲. هدف از تحقیق

هدف از این پژوهش دستیابی به راه‌های افزایش حضور زنان در عرصه قدرت و موانع پیش روی آنان در جهت تصدی مناصب قدرت است. از اهداف دیگر این پژوهش راه‌های قدرتمند کردن زنان در جهت پاسخگویی به نیاز این حضور در عرصه ملی و بین‌المللی است.

درآمدی بر جایگاه زنان در مناصب قدرت ... (اشرف بروجردی) ۷

### ۳. سوالات تحقیق

۱. آیا تقابل با حضور زنان در مناصب قدرت معلول تفکر و اندیشه تصمیم‌گیران است یا مبانی دینی و قانونی تولیدکننده اندیشه مقاومت در برابر این تصدی است؟
۲. چه موانع حقوقی برای رسیدن زنان به قدرت در مبانی قانونی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد؟

### ۴. فرضیه تحقیق

فرض بر این است که مبانی دینی و قانونی هیچ محدودیتی در جهت حضور زنان در مناصب مدیریتی ندارد لیکن سنت‌های جامعه و فرهنگ عامه در برابر این اندیشه مقاومت می‌کند. از سوی دیگر مسؤولیت خانوادگی و نقش مادر در تربیت فرزندان یکی از موانع جدی برای پذیرش مسؤولیت زنان است.

### ۵. اهمیت این مطالعه

از آنجا که در جهان امروز اصل بر شایسته‌سالاری است و نه جنسیت، از آنجا که نظامی اسلامی متهم به ممنوعیت و حرمت حضور زنان در تصدی مدیریت‌ها است، از آنجا که دختران جوان جامعه همسو با رویکردهای سنتی مبنی بر ممنوعیت حضور زنان نگاهشان به غرب و نبود ممنوعیتی بر این حضور است از آنجا که اسلام توان پاسخگویی به همه نیازهای جامعه را دارد اما تصویر ارائه شده غیر از این موضوع را به ذهن متبادر می‌کند این موضوعات دلیل ضرورت بررسی، مطالعه و تحقیق در فهم رویکرد دینی نسبت به این امر و توانمندکردن زنان در کسب اعتماد به نفس لازم را ایجاد کرده است.

### ۶. تعاریف واژه‌ها

**مشارکت (Participation):** مشارکت عبارت است از شرکت فعالانه همراه با میل و رغبت (داوطلبانه) انسان‌ها در حیات سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی خود (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۲۱). در تعریفی دیگر مشارکت عبارت است از تقبل آگاهانه انجام امری در شکل

همکاری با میل و رغبت و از روی احساس نیاز به هدف بهبود زندگی اجتماعی (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۹۳).

**مشارکت سیاسی (Politic Participation):** عبارت است از فعالیت‌های ارادی، روشن‌گرانه و داوطلبانه و فعالانه در جوامع برای دستیابی به تصمیم‌گیری و مسئولیت‌پذیری در اجرای قوانین و مقررات (میرمحمدی، ۱۳۷۷: ۹-۱۰).

**قدرت (Power):** قدرت عبارت است از این احتمال که یک فرد بتواند خواسته خودش را علی‌رغم مقاومت‌هایی که وجود دارد انجام دهد و در جایی دیگر قدرت را توانایی وادار کردن دیگران به انجام اقداماتی می‌دانند که در غیر آن صورت انجام نمی‌دادند (رهنورد، ۱۳۸۵: ۱۳۷).

**مشارکت سیاسی توده‌وار (Politic Public Involvement):** شرکت در تصمیم‌سازی و ایجاد فضای مناسب برای فعالیت‌های سیاسی مانند شرکت در انتخابات برای رأی دادن، شرکت در راهپیمایی‌ها، تظاهرات و... (scoiology.blogfa.com Qom).

**مشارکت سیاسی نخبگان (Policy Intellectual Involvement):** هرکس به تنهایی یا با مشارکت دیگران و به عنوان عضوی از یک مجموعه تمام تلاش خود را برای رسیدن به مراکز قانون‌گذاری و مدیریت جامعه در عالی‌ترین سطح به عهده بگیرد تا از این طریق بتواند در تصمیم‌گیری برای اجرای دقیق قانون و یا اصلاح قوانین مورد نیاز رشد و توسعه جامعه در سطح ملی و محلی را عملیاتی سازد (مصفا، ۱۳۷۶: ۶۶-۶۷).

**سهمیه بندی (Quota):** برخورداری از سهم سیاسی در قدرت ناظر بر حضور در عرصه‌های تأثیرگذار و تصمیم‌گیری در حوزه اجراست که عالی‌ترین آن در سطح ریاست جمهوری است (اسناد سازمان ملل).

## ۷. عوامل تسهیل‌کننده حضور زنان در مناصب قدرت

برای حضور زنان در عرصه قدرت و تصمیم‌گیری راه‌هایی مورد نیاز است که با طی کردن آن‌ها زنان می‌توانند به جایگاه واقعی خود در جامعه نزدیک شوند این راه‌ها عبارتند از:

۱. شناسایی رفتار دولت و دیدگاه‌ها و نظرات سیاسیون در خصوص مسائل عمومی جامعه و مواضع آنها به منظور پذیرش یا رد یا نقد تصمیمات متخذه از سوی هیأت حاکمه.



## درآمدی بر جایگاه زنان در مناصب قدرت ... (اشرف بروجردی) ۹

۲. اعلام مواضع مستقیم در خصوص مسائلی که به وضعیت جامعه مرتبط می‌شود.
۳. مشارکت در قانون‌گذاری در پارلمان و شوراها و محلی از طریق کاندیداتوری و یا حمایت از افرادی که توانایی کافی برای قانون‌گذاری و اداره جامعه را داشته باشد و انتخاب آن‌ها.
۴. ایجاد ظرفیت لازم توسط نهادها و مدیران ارشد برای پذیرش مسئولیت نمایندگی زنان در سطح ملی (پارلمان) و در سطح محلی (شوراها) و ایفای نقش در حوزه‌های انتخابیه و آنچه که به آن مربوط می‌شود.
۵. تأسیس حزب و گروه سیاسی براساس قوانین موجود و هدایت و سرپرستی آن با مشارکت فعال دیگر هم‌فکران.
۶. وابستگی حزبی و یا تشکیلاتی برای ایفای نقش سیاسی.
۷. ایجاد ظرفیت و توانایی پذیرش مسئولیت‌های اداری و اجرایی.
۸. ایجاد ظرفیت پذیرش ریاست جامعه جهت اجرای احکام (ریاست جمهوری).
۹. ایجاد تغییر نگرش درون خانواده و به تبع آن تغییر رفتار و الگوی روابط درون خانواده و مساهمت مردان در پذیرش مسئولیت خانوادگی.
۱۰. اصلاح قوانین و مقررات مربوط به واگذاری مسئولیت‌ها و نفی هرگونه تبعیض در این زمینه.

ناگفته نماند که آنچه امروز از آن تعبیر به سهم‌خواهی زنان برای ورود به عرصه قدرت می‌شود مورد اختلاف است، تعیین سهم برای زنان جهت قرار گرفتن در قدرت را برخی یک نوع تبعیض دانسته که مغایر با اصل شایسته‌سالاری است. البته در شرایط مساوی این بحث غلطی نیست اما از آنجا که هرگز این شرایط مساوی در جامعه فراهم نشده که زنان بتوانند از توانمندی‌های خود، دیگران را بهره‌مند سازند ضروری است تا در مقطعی از تاریخ و با بهره‌گیری از سهم حضور زنان در قدرت امکان و ظرفیت بروز توانمندی‌های زنان به منصف ظهور برسد و زنان این عرصه را تجربه کنند و سپس موضوع تبعیض‌آمیز بودن سهمیه مورد بحث قرار گیرد و محلی برای طرح داشته باشد. این موضوع در قانون اساسی عراق و افغانستان پس از تغییر هیأت‌های حاکمه که با حمله آمریکا به عراق و افغانستان صورت گرفت، اعمال شد و امروزه زنان در این دو کشور از سهم ۳۰٪ در پارلمان برخوردارند. البته این موضوع برای حضور زنان در حوزه اجرا نیز قید شده است

(سه‌میة حوزه اجرا در عراق به اجرا درنیامد و در افغانستان در سطح مدیریت عالی با موفقیت همراه نبود و تنها در سطح مدیران میانی این امر محقق شده است). بنابراین باتوجه به تفاوت‌های حضور زنان و مردان در عرصه سیاسی، کم‌کم بحث تضادهای جنسی بین زنان و مردان و چگونگی شرکت آنها در فرآیندها و عملکردهای نظام سیاسی از اهمیت برخوردار می‌شود به‌ویژه اینکه همواره این بحث مطرح بوده است که وظیفه اصلی زنان تربیت فرزند و اداره خانواده است و همین امر امکان پذیرش مسؤلیت اجرایی در سطح مدیریت‌ها را غیرممکن می‌سازد و از طرفی چون زنان تجربه این حضور را نداشته‌اند و مسیر مدیریت را نیازموده‌اند امکان مدیریت صحیح برای آنها نخواهد بود. از سویی دیگر خود زنان نیز در این زمینه دچار تعارض و تردید هستند. اگرچه برخی از زنان بر این باورند که اساساً قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز است و امکان حضور را در مناصب قدرت از زنان سلب کرده است. علاوه بر این اگر به موضوع از منظر باورهای دینی هم نگاه کنیم به این نکته خواهیم رسید زیرا از یک سو دین اسلام هرگز حضور زنان را در مسائل اجتماعی نادیده نگرفته بلکه احکامی که مطرح می‌کند شامل هر دو جنسیت است و همین امر مسؤلیت زنان را در مراقبت از آنچه که دولت‌ها تصمیم می‌گیرند و همچنین نسبت به آنچه بر زنان اعمال می‌شود افزایش می‌دهد و خداوند این مسؤلیت را بر دوش آنان هم چون سایر اقشار جامعه قرار داده است. آنجا که می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (سوره توبه، آیه ۷۱)، ترجمه: «مردان و زنان مؤمن همه یار و سرپرست یکدیگرند، خلق را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می‌کنند. نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و حکم خدا و رسول را اطاعت می‌کنند، آنان را خداوند مشمول رحمت خود خواهد گردانید که خدا صاحب اقتدار و درست‌کردار است». در این فرموده خداوند زنان چون مردان دارای مسؤلیت بزرگ سرپرستی، ولایت و مدیریت اصلاحی می‌باشند. از این رو به هدایت‌گری و امر به معروف و بازدارندگی از زشتی‌ها و ناهنجاری‌ها می‌پردازند. با گسترده‌گی مفهوم منکر و معروف در اسلام که عمدتاً ناظر بر حوزه اجتماع است گستره دخالت‌های اجتماعی زنان روشن می‌شود بنابراین در همه عرصه‌هایی که مردان می‌توانند دخالت کنند زنان نیز می‌توانند دخالت کنند چون مسائل سیاسی و حکومتی در رأس هرم مسائل اجتماعی

قرار دارد و زنان مانند مردان باید در آن دخالت کنند و نقش داشته باشند (حکیمی، ۱۳۷۸: ۴۳). لازم به ذکر است که هر یک از وظایفی که در این آیه به عهده زنان و مردان مؤمن قرار داده شده است در حوزه اجتماعی و سیاسی کاربرد دارد. ضمن آنکه محدودیتی برای هیچ یک از دو جنس قائل نشده و مخاطب همه کسانی هستند که ویژگی شاخص آنها ایمان آنها است. به تعبیر یکی از مفسران در این آیه شخصیت هر زن به ازای هر مرد در جامعه ترسیم شده و در برگیرنده همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است (دروژه، ۱۳۸۳ق: ج ۹، ۴۹۴). بنابراین طبق آیه، زنان می‌توانند در حوزه‌های مدیریت و تصمیم‌گیری کلان جامعه نیز ایفای نقش کنند. اما از سویی دیگر برداشت‌ها و نگرش‌های علما و فقها در طول تاریخ هرگز حضور زنان در قدرت را مجاز ندانسته بلکه کاملاً آن را مغایر با احکام شرعی می‌شناسند.

## ۸. مشارکت سیاسی زنان در نگاه دین‌باوران و مدیران ج.ا.ا.

بنیانگذار ج.ا.ا. در پاریس در پاسخ به سؤال یکی از خبرنگاران که پرسید جایگاه زنان در ساختار آینده جامعه ایران و ساختار حکومت اسلامی و قدرت سیاسی چگونه خواهد بود؟ چنین گفتند:

زنان در ساختار جامعه اسلامی نقش مهمی را ایفا خواهند کرد. دین اسلام به آزادسازی زنان در جامعه می‌اندیشد تا جایی که برای او امکان رشد و تعالی را فراهم نماید و او بتواند پایگاه و منزلت مناسبی برای خود به دست آورد و نقش مهمی در اداره جامعه به عهده بگیرد نه اینکه ابزاری باشد در اختیار دیگران (خمینی، ۱۳۷۵: ج ۲، ۱۰۱).

این نظریه بیانگر آن است که حق تعیین مسیر و مشارکت در اداره جامعه که یک فقیه آن را به عنوان اساس شکل‌گیری حکومت اسلامی می‌داند نمونه بارزی از مشارکت سیاسی زنان در ساختار و اداره جامعه است. امام رسیدن زنان به این جایگاه را جزء مصالح نظام اسلامی می‌داند و منظور از بیان مشروع بودن مشارکت سیاسی زنان در به‌دست‌آوردن قدرت، نقش آنان در ریاست جامعه اسلامی جهت اجرای احکام و قوانین حکومتی است. چرا که اصولاً حاکم از نگاه دین مجری قوانین الهی است که آنهم ملهم از اسلام است. قرآن نیز در توصیف اعمال حاکمیت زنان به داستان ملکه سبا اشاره می‌کند و تأکید می‌کند که بلیس بر آراء مشاوران خود تکیه می‌کرد و تصمیم خود را بعد از اخذ مشورت از آنان

به اجرا در می‌آورد که از آن به سیاست همراه با بصیرت و عدل یاد می‌شود نه سیاستی که پایه و اساس آن جنگ باشد و از روی کبر و تبختر تصمیم‌گیری شود. تعبیر قرآن چنین است: «قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ» (سوره نمل، آیه ۳۲)، ترجمه: «آنگاه (بلقیس) به مشورت گفت ای رجال کشور شما به کار من رأی دهید که من تاکنون بی حضور شما به هیچ کاری تصمیم نگرفته‌ام».

بنابراین اساس تصمیمات بلقیس بر پایه دریافت حقیقت و آگاهی او از واقعیت است و این‌که اگر موضوعی حق باشد باید آن را پذیرفت (گرجی، ۱۳۷۳: ۱، ۹).

طرح این موضوع در قرآن بیانگر توانایی و ظرفیت ملکه سبا در اداره جامعه است. و اگر بین آنچه که بلقیس در مقابل پیشنهاد سلیمان (ع) انجام داد با آنچه که فرعون در مقابل موسی ارائه کرد که در اولی درایت و معرفت، و در دومی غرور و تکبر متجلی می‌شود. به نقش بلقیس و توانایی او در اداره جامعه بیشتر پی خواهیم برد. باز می‌گردیم به نظر امام خمینی که برای مردم دیدگاه خود را چنین بیان می‌کند: «به زنان اجازه داده می‌شود که در همه مسائل اجتماعی دخالت کنند، زنان باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کنند» و نیز می‌فرماید:

زنان باید در کنار مردان به ساختن و اداره جامعه بپردازند و جامعه به رشد و شکوفایی نمی‌رسد اگر مردان به تنهایی بخواهند مسؤولیت را به عهده بگیرند. پس بر زنان واجب است در کنار مردان این وظیفه اجتماعی را به خوبی انجام دهند (خمینی، ۱۳۷۵: ج ۵، ۱۵۳).

دیدگاه امام تماماً در این جمله مشهور ایشان خلاصه می‌شود که: «زنان باید در تعیین مسیر جامعه مشارکت لازم را داشته باشند. سهم زنان در این انقلاب اگر بیش‌تر از مردان نباشد کم‌تر از آنان نیست» (همان). بنابراین حوزه مشارکت سیاسی زنان قرار گرفتن در تصمیم‌گیری‌های کلان است که به سرنوشت کل جامعه مربوط می‌شود و به تعبیری قرارگرفتن در رأس هرم جامعه است. یعنی مشارکت نخبگی اما این دیدگاه‌ها که از سوی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران طرح شده بود عملیاتی نشد و مناصب حکومتی به سلیقه مدیران آن از حضور زنان خالی ماند. آمار زیر گویای این موضوع است.

درآمدی بر جایگاه زنان در مناصب قدرت ... (اشرف بروجردی) ۱۳

جدول ۱. مقایسه درصد زنان مدیر در سالهای ۹۶ و ۹۷ و ۹۸  
 مأخذ: معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری

۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	
۵/۵	۳/۹	۲/۵	مدیران عالی
۹/۳	۸/۱	۶/۹	مدیران میانی
۲۳	۲۰/۶	۱۶/۹	مدیران پایه

جدول ۲. تعداد شاغلین در پست‌های مدیریت و سرپرستی دستگاه‌های دولتی به تفکیک عنوان پست،  
 مدرک تحصیلی و جنس در سال ۱۳۸۰  
 مأخذ: معاونت امور انفورماتیک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

عنوان پست و جنس	کمتر از دیپلم	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	دکتری	جمع کل
معاون دستگاه	زن	0	0	0	10	6	15
	مرد	1	40	20	525	451	1496
مدیرکل و عناوین مشابه	زن	0	1	1	20	16	25
	مرد	12	124	122	1706	1077	3551
مدیر و عناوین مشابه	زن	1	14	12	196	114	110
	مرد	33	444	358	2916	1332	6078
معاون مدیرکل و عناوین مشابه	زن	0	8	3	97	55	24
	مرد	31	424	319	2516	723	4613
معاون مدیر و عناوین مشابه	زن	1	48	9	96	39	27
	مرد	193	2632	512	1677	423	5813
رئیس گروه یا اداره و عناوین مشابه	زن	48	1036	109	1084	341	2917
	مرد	1620	12461	4275	11460	1976	34713
معاون گروه یا اداره و عناوین مشابه	زن	44	615	67	398	44	27
	مرد	744	5646	1335	3259	464	11719
جمع	زن	94	1722	200	1904	613	5060
	مرد	2634	21771	6941	24059	6446	67983

جدول ۱ مقایسه درصد زنان مدیر در سه سال اخیر از سال ۹۶ تا ۹۸ و جدول ۲ مربوط به سال‌های گذشته است. در جدول ۲ اگرچه تفکیکی در حوزه مدیریت کلان مثل معاون رئیس‌جمهور، وزیر و معاون وزیر ذکر نشده است اما با فرض همان عبارت معاون دستگاه نیز سهم زنان در مقابل مردان بسیار اندک است. به طوری که در مقابل ۶۷۹۸۳ مدیر مرد تنها ۵۰۶۰ مدیر زن حضور داشتند (۹۳/۷٪ مردان در مقابل ۶/۳٪ زنان).

## ۹. مبانی دینی و فقهی مشارکت سیاسی زنان نخبه در باور دینداران

از باورهای دینی رایج نوع برداشت‌های مذهبی است که پیوند فرادستی و فرودستی میان زن و مرد را از اصول اساسی اسلام تلقی کرده و بر این اساس به تفکیک امور زندگی خانوادگی و اجتماعی اشاره دارد و تأکید بر این نکته دارند که برخی امور ذاتاً مردانه هستند مثل حکومت‌داری و سیاست و برخی امور ذاتاً زنانه هستند مثل خانه‌داری در حالی که تقریباً در همه آموزه‌های قرآنی و روایی معتبر، اسلام انسان را ملاک تعیین دانسته و قوانین را بر وجود «انسان» بار می‌کند چرا که «نفس» که اساس خلقت انسان است «جنسیت» بردار نیست و در وجود هر دو متجلی است همانطور که خداوند می‌فرماید: «بِأَيِّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (سوره نساء، آیه ۱)، ترجمه: «ای مردم پرهیزگار باشید و از خدایی که همه شما را از یک نفس آفرید و هم از آن جفت او را خلق کرد بترسید». در اقدامات پیامبر در صدر اسلام نیز مثل دعوت به اسلام و جهاد مسلمین در دفاع از ایمان و عقیده، روبرو شدن با دشمنان و... زن هرگز یک موجود بی‌خاصیت و بی‌تأثیر نبوده است و بسیاری از زنان نقش اساسی در دعوت پیامبر و جهاد در راه او را داشتند و چه بسیار زنانی که در این راه انواع شکنجه‌ها را متحمل شدند و بعضاً ناچار به هجرت برای حفظ عقیده خود شدند و نقش بالاتری در اشاعه دین خدا داشتند (ابوشقه، ۱۹۹۰م: ج ۲، ۵۴).

بنابراین ورود به بحث ظرفیت و توانایی زنان در فعالیت‌های سیاسی از منظر فقه کاملاً قابل توجه است تا جایی که این دیدگاه که امکان مشارکت زنان در مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی را ضروری ندانسته و تنها در مسائل مربوط به خانواده و رفع مشکلات خانوادگی را مجاز دانسته و این نظر که توانایی و امکان حضور زنان را در مجالس قانون‌گذاری و شوراها به‌عنوان وکیل و یا وزیر غیرشرعی می‌دانند و این نگاه که زنان را

مجاز به انتخاب نماینده برای پارلمان می‌دانند اما انتخاب شدن و یا وزیر شدن را غیرمجاز می‌دانند همه قابل تأمل و قابل بحث است. اما آنچه که تقریباً همه علما گذشته و اکثر علماء حاضر به آن معتقد هستند این است که زنان شرعاً نمی‌توانند به عنوان رئیس حکومت ایفای نقش نمایند (شمس الدین، ۱۳۷۶: ۴۱). که مبنای این حکم شرعی می‌تواند مستندات ذیل باشد: یکی استناد به این آیه است که می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (سوره نساء، آیه ۳۴)، ترجمه: «مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است به واسطه آن برتری که خدا بعضی را بر بعضی مقرر داشته و هم به واسطه آنکه مردان از مال خود باید به زن نفقه دهند». و استناد آن‌ها به کلمه قوام به معنای رُجحان یا برتری است و این در حالی است که خداوند در آیه ۱۳ از سوره حجرات می‌فرماید: «إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (سوره حجرات، آیه ۱۳)، ترجمه: «ای مردم ما همه شما را از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یک‌دیگر را بشناسید. بزرگواریترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شما است». معنای دیگر قوام سرپرستی و ولایت مطرح می‌شود که تنها مختص به مردان نیست. از طرفی موضوع این بحث حکومت و سرپرستی در جامعه نیست که مربوط به زن باشد یا مرد بلکه توانایی اقتصادی مردان است در خانواده و نقشی که هر یک از آنان باید ایفا نمایند و این موضوع ربطی به برتری هیچ یک از زنان و مردان از جهت ارزش وجودی و منزلت اجتماعی و حاکمیت بر یکدیگر را ندارد (شمس الدین، ۱۳۷۶: ۶۸).

استناد دیگری که در موضوع عدم پذیرش مدیریت زنان بر جامعه مورد مناقشه است این آیه است که می‌فرماید: «وَأَلْهَنَّا مِثْلَ الَّذِي عَلَيْنَ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَىٰ نِسَائِهِمْ دَرَجَةٌ» (سوره بقره، آیه ۲۲۸)، ترجمه: و «زنان را حقوقی است بر مردان چنانچه شوهران را بر آنان حقوقی است مشروع لیکن مردان را بر زن افزونی و برتری خواهد بود و خدا به هر چیز توانا است».

این آیه نیز نمی‌تواند تعیین‌کننده برتری مردان بر زنان در سرپرستی و اداره جامعه باشد توضیح اینکه کلمه «دَرَجَةٌ» نکره آمده و این محدودیت برتری را می‌رساند یعنی که در بعضی از مسائل مردان نسبت به زنان برتری دارند. در حالی که در اداره جامعه موضوع بحث حقوق متقابل بین فردی نیست لذا مفسرین اکثراً موضوع آیه را حقوق زوجین

درون خانواده می‌دانند یعنی کاملاً بحث اقتصاد خانواده است که تأمین نفقه بر عهده مرد خانواده است (طباطبایی، ۱۳۷۰: ج ۲، ۳۲۸-۳۲۹).

آیه دیگری که مورد استناد واردکنندگان به شبهه اداره جامعه توسط زنان مطرح می‌کنند این آیه است که می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (سوره احزاب، آیه ۳۳)، ترجمه: «و در خانه‌هایتان بنشینید و آرام گیرید و مانند دوره جاهلیت پیشین آرایش و خودآرایی نکنید». اولاً مخاطب آیه، همسران پیامبر هستند. اگرچه تاریخ گواه است که هرگز زنان پیامبر و نه هیچ زن دیگری خانه‌نشین نبودند و این آیه از وابستگی و بهره‌گیری از زیورآلات و زینت‌های دنیایی است و نه خارج شدن از منزل و این آیه هیچ ارتباطی با بحث حکومت و سرپرستی جامعه ندارد. مضافاً بر این که نسبت به چگونگی خروج از منزل بحث شده که به شیوه جاهلیت نباشد پس خود این مجوزی است بر خروج از منزل. البته آیات و روایات دیگر نیز هست که مورد استناد این دیدگاه است که معروف‌ترین آن همان است که ابوبکره نقل کرده از قول پیامبر که فرمود: «لَنْ يُفْلِحُ قَوْمٌ وَلَوْ أَمَرَهُمْ أَمْرَآئُهُمْ» (البخاری، بی تا: ج ۳). (ترجمه: قومی که زمام امور خویش را به دست زنی بسپارد رستگار نخواهد شد). ابوبکره تنها راوی این حدیث است و چنان‌که از منابع حدیثی بر می‌آید، بارها آن را بازگو کرده است. او که از هواداران عایشه بود، هنگام مخالفت عایشه با علی (ع) و دعوت مردم به خروج علیه او، با عایشه همراهی نکرد. او به یاد آوردن این سخن پیامبر (ص) را دلیل این امر ذکر کرد (جلالی کندری، ۱۳۸۳: ۲۲۰). که این روایت نیز به دلایل عدیده‌ای قابل تأمل است.

در خصوص نظر مدیران ارشد نظام اگرچه در احوال آنها نغیاً و اثباتاً نکته‌ای در این خصوص مطرح نشده اما با پیشنهاد بعضی، قوانینی که از سوی قوه مجریه به مجلس شورای اسلامی ارائه شده است عملاً امکان طی مدارج مدیریتی برای زنان به وجود نخواهد آمد از جمله کار نیمه وقت بانوان، اجباری کردن ساعت حضور آنان در ادارات که نباید بیش از ساعت مقرر باشد، دورکاری و... این قوانین بالقوه نقش حضور زنان را در عرصه مدیریت در جمهوری اسلامی ایران کم‌رنگ و به تدریج متفی می‌سازد.



## ۱.۱۰. علل عدم مشارکت زنان در قدرت و سیاست

### ۱.۱۰. فقدان انگیزه مشارکتی

پاره‌ای از اوقات به دلیل ناشناخته بودن سهم تأثیر حضور زنان در عرصه قدرت و حکومت انگیزه پذیرش مسئولیت کم‌رنگ می‌شود. به عبارت دیگر عدم شناخت کافی از حوزه عمل و میزان و نوع اختیارات، مدیریت و مسئولیت مربوطه زنان را بر آن می‌دارد که از پذیرش مسئولیت فاصله بگیرند. معمولاً زنان در پذیرش مسئولیت خود با احتیاط بیشتر حرکت می‌کنند و حاصل بهتری از کار را می‌خواهند ارائه دهند و مشوقی نیز برای پذیرش مسئولیت از سوی اطرافیان چه خانواده و چه محیط‌کاری وجود ندارد لذا معمولاً خانم‌ها با اصرار دیگران مسئولیت را می‌پذیرند در حالی‌که مردان برای پذیرش مسئولیت رقابت می‌کنند.

### ۲.۱۰. تعارض حضور اجتماعی و حضور در خانواده

از آنجایی‌که زنان اگر رئیس جمهور هم بشوند نمی‌توانند از مسئولیت اصلی که اداره خانواده است فاصله بگیرند در نتیجه دچار تعارض حضور یا عدم حضور در عرصه سیاست و قدرت قرار می‌گیرند که در اینجا لازم است عوامل تسهیل‌گر درون خانواده و در اجتماع شرایط لازم و مساعد را برای حضور در فعالیت‌های سیاسی فراهم نمایند.

### ۳.۱۰. نادیده گرفته شدن حضور زنان در احزاب

از آنجا که معمولاً فعالیت‌های حزبی و سیاسی سکوی پرشی برای رسیدن به قدرت است و زنان از فعالیت‌های حزبی و سیاسی تا حدودی فاصله گرفته‌اند. این مسأله موجب می‌شود که نتوانند زمینه مناسب را برای حضور در مدیریت کلان جامعه به‌عهده بگیرند. اگرچه ورود زنان به عرصه مبارزات سیاسی تحول عظیمی را ایجاد کرده که می‌تواند مراحل دستیابی به مناصب قدرت را تسهیل کند.

#### ۴.۱۰ پرهزینه‌بودن و کم‌بهره‌بودن حضور زنان در قدرت

از آنجا که قدرت میدان زد و بندهای سیاسی است و بعضاً هزینه‌های بسیاری را چه در زمینه آبرو و چه جان فرد و چه رقابت‌های سیاسی به همراه دارد و زنان می‌کوشند از حریم‌های خانوادگی و شخصی برخوردار باشند و کسی متعرض حریم شخص آنها نشود وارد شدن به این میدان می‌تواند هزینه زیادی را بر آنان بار کند و این تا حدود زیادی برای زنان مشکل‌آفرین خواهد شد. و از طرفی بهره مناسب را به دلیل وارد نشدن به میدان زد و بندهای سیاسی برای زنان ندارد.

#### ۵.۱۰ نبود فرصت مناسب برای تصدی مسئولیت‌ها

ایجاد شرایط متناسب با مردان برای زنان در حوزه‌های قدرت کم‌رنگ است. زنان از شانس کم‌تری برای طی کردن مراتب صعودی پیشرفت برخوردارند که همین امر موجب تأخر فرهنگی و سیاسی آنان برای قرار گرفتن در مناصب عالی‌ه می‌شود و این مهمترین نکته در ارتقاء مشارکت سیاسی زنان به حساب می‌آید و نهایتاً به رابطه متقابل میان مشارکت در دو سطح توده و نخبگان منجر می‌شود و احزاب سیاسی می‌توانند به عنوان نهاد مقتضی در این زمینه مؤثر باشند احزاب سیاسی به زنان تجارب سیاسی دهند که به طور عمیقی بر زندگی سیاسی آنان اثرگذار خواهد بود (مصفا، ۱۳۷۸: ج ۱، ۲۲۱).

#### ۱.۱ ملزومات دستیابی به مناصب قدرت و حاکمیت برای زنان

۱. افزایش آگاهی و اطلاعات لازم از طریق:
  - طی کردن دوره‌های آموزشی لازم و ارتباط با منابع اطلاعاتی.
  - قرار گرفتن در تشکیلات حزبی و فعالانه عمل کردن.
۲. پذیرش مسئولیت‌های حزبی و تشکیلاتی و نیز مسئولیت‌های اداری در سطح مدیریت: اگرچه تصدی مسئولیت‌ها و مدیریت‌ها تابع اراده زنان نیست اما زنان می‌توانند پذیرش مأموریت‌ها را توصیه و پیشنهاد کنند و به تدریج در انجام این مسئولیت‌ها ایفای نقش کنند.

۳- برخورداری از توانایی مالی و اقتصادی: از ملزومات ورود به عرصه سیاسی برخوردار بودن از ظرفیت‌های مالی است چون طی کردن مدارج سیاسی بعضاً از طریق ورود به پارلمان تحقق می‌یابد و این حوزه حتماً نیاز به اقتدار مالی دارد چون تبلیغات نقش مهمی در کسب آراء دارد. بنابراین زنان نخبه سیاسی خوب است که از این توانایی برخوردار باشند و یا اینکه در حزب از موقعیت مناسبی برخوردار باشند که حزب بتواند نیازهای مالی آنها را پوشش دهد.

۴- توسعه ارتباطات: برای رسیدن به مناصبات عالی حکومتی و مراکز تصمیم‌گیری زنان باید به توسعه ارتباطات خود با نهادهای مرتبط و اثرگذار بپردازند و در حفظ ارتباطات خود بکوشند. این موضوع به شناسانده شدن آنان کمک می‌کند و موجب بروز توانمندی‌های زنان می‌شود لذا در مواقع تصمیم‌گیری برای انتخاب چه در حوزه پارلمان و چه در حوزه مدیریت «غایب» نخواهند بود و از اذهان دور نمی‌شوند.

به هر حال با وجود همه چالش‌هایی که جایگاه زنان در قدرت و سیاست پیش‌روی دارد اما می‌تواند منتج به ایجاد تعادل و موازنه قدرت در جامعه و تصحیح رفتارهای سیاسی برمبنای اخلاق بشود. این یک ادعا نیست. تجربه آن را ثابت کرده است البته نیاز به یک پژوهش و مطالعه دقیق علمی است تا بتوان به آن استناد کرد.

## ۱۲. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

برای بهبود شرایط سیاسی زنان در جمهوری اسلامی به منظور حضور در عرصه‌های تصمیم‌گیری نیازمند اصلاح شرایط موجود اعم از اصلاح نگرش و فهم مطابق با نیازهای روز و اصلاح قوانین و بهینه‌سازی شرایط حضور زنان می‌باشیم. در این زمینه می‌توان به منشور حقوق و مسؤولیت‌های زنان در جمهوری اسلامی ایران مصوب پانصد و چهل و ششمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی به تاریخ ۱۳۸۳/۰۶/۳۱ اشاره کرد. این مصوبه براساس بندهای ۱ و ۱۸ وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان یک سند مرجع در سیاستگذاری امور فرهنگی و اجتماعی به تصویب رسیده است (متن منشور حقوق زنان در جمهوری اسلامی ایران مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی). این مطلب هم از جهت شرایط درون خانواده و تغییر الگوی رفتار درون خانواده و

چه شرایط محیط اجتماعی و مشارکت و عضویت زنان در احزاب مدنظر است. و این همان موضوعی است که موجب دل‌مشغولی و نگرانی زنان توانمندی است که امکان ایجاد تغییر بهبود شرایط اجتماعی را برای سرزمین خود دارا می‌باشد اما به دلیل حاکمیت سلیقه‌های نامتجانس با خواست آنان و بیگانه با مبانی دینی و نیازهای امروز، زنان مسلمان هم‌چنان از صحنه حضور سیاسی و جایگاه تصمیم‌گیری به دور مانده‌اند. ظرفیتی که از خلال آن می‌توانند دایره تأثیر و نفوذپذیری خود را برای رفع موانع حضور برای نسل‌های آینده فراهم نمایند و نگاه نسل آینده جامعه را از توجه به بیرون از مرزها، جزء آرزوهای بر باد رفته خود به حساب نیاورند و بدانند که دامن این سرزمین با همین نگرش‌ها قابلیت اصلاح و بهبود را می‌تواند داشته باشد. اگر نگاه‌های اصلاحی بتواند بر نگاه‌های تنگ‌نظرانه فائق آید.

به عنوان مثال «شریل سندبرگ» (Sandberg, Sheryl) نویسنده کتاب «تغییر مسیر: زنان، شغل و میل به پیشرفت» بر این باور است که زنان در آغاز باید برای رسیدن به قدرت انگیزه لازم را داشته باشند (سندبرگ، ۱۳۹۵) و یا خانم «ویرجینیا وولف» (Woolf, Virginia) که از برجسته‌ترین تاریخ‌نگاران زن می‌باشد در کتاب «اتاقی از آن خود» (سال ۱۹۲۹) تأکید بر این نکته دارد که باید واقعیت را با خیال ادغام کرد تا بتوان به آرزویت بررسی (وولف، ۱۳۹۷). او در این کتاب سنت را به بازی گرفته است. این کتاب آغازگر «نظریه فمینیستی» و «نقد ادب فمینیستی» قلمداد می‌شود.

به هر حال در جامعه دینی و سنتی ایران زنان امروز از موقعیت بهتری نسبت به گذشته برخوردار هستند. آن‌ها با آرزوی رسیدن به قدرت مطالبات خود را پی‌درپی مطرح می‌کنند باشد که روزی در ایران اسلامی شایسته‌سالاری جانشین جنسیت شود.

## کتاب‌نامه

قرآن کریم.

ابن حنبل، ابو عبدا... احمد (۲۰۰۱م). مسند أحمد. ج ۳۴، بیروت: مؤسسه الرساله.

ابوشقه، عبدالحلیم (۱۹۹۰م). تحریر المرأة فی عصر الرساله. بیروت: دار القلم.

ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی (بی‌تا). الجامع الصحیح للترمذی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

جلالی‌کندری، سهیلا (۱۳۸۳). زن مسلمان پرده نشینی یا حضور اجتماعی. تهران: دانشگاه الزهراء.

## درآمدی بر جایگاه زنان در مناصب قدرت ... (اشرف بروجردی) ۲۱

- حکیمی، محمد(۱۳۷۸). *دفاع از حقوق زن*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- خمینی، روح ا... (۱۳۷۵). *صحیفه نور*. تهران: دفتر نشر آثار امام خمینی.
- دروژه، محمد عزه(۱۳۸۳ق). *احسن الحدیث*. قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
- رهنورد، فرج ا... (۱۳۸۵). *دیامان مشارکت*. تهران: انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- ساروخانی، باقر(۱۳۷۰). *دائرة المعارف علوم اجتماعی*. تهران: مؤسسه کیهان.
- سندبرگ، شریل(۱۳۹۵). *تغییر مسیر: زنان، شغل و میل به پیشرفت*. ترجمه سارا ارجمند، مصطفی طرسکی، تهران: نوین توسعه.
- شمس‌الدین، محمد مهدی(بی‌تا). *مسائل حرجه فی فقه المرأة*. بیروت: مؤسسه المنار.
- شمس‌الدین، محمد مهدی(۱۳۷۶). *حدود مشارکت سیاسی زنان در اسلام*. ترجمه محسن غابدی، تهران: انتشارات بعثت.
- طباطبایی، سید محمد حسین(۱۳۷۰). *تفسیر المیزان*. ترجمه محمدتقی مصباح یزدی، جلد ۲، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- فضل ا...، محمد حسین(۱۴۲۰ق). *دنیا المرأة*. قم: دارالملاک.
- قانون اساسی ج.ا.ا.
- قانون برنامه چهارم توسعه ج.ا.ا.
- قانون برنامه سوم توسعه ج.ا.ا.
- گارودی، رژه(۱۳۷۹). *زنان چگونه به قدرت می‌رسند*. ترجمه دکتر امان ا... ترجمان، تهران: پرشکوه.
- گرچی، منیره(۱۳۷۳). «زن و حکومت». *مجله فرزانه*، شماره اول، پائیز ۱۳۷۳.
- البخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل(بی‌تا). *صحیح البخاری*. جلد ۳ و ۹، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمد باقر(بی‌تا). *بحار الانوار*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- محسنی تبریزی، علیرضا(۱۳۷۶). «معرفی و نقد نظریه‌ها در روانشناسی اجتماعی». نامه علوم اجتماعی، شماره ۹ و ۱۰.
- مشکینی، علی(۱۳۸۶). *اصطلاحات الاصول ومعظم ابحانها*. قم: انتشارات الهادی.
- مصفا، نسرین(۱۳۷۸). *احزاب سیاسی، نقش و اهمیت زنان از دیدگاه جنسیتی*. تحزب و توسعه سیاسی، کتاب اول، انتشارات همشهری.

منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.  
میرمحمدی، داوود (۱۳۷۷). *شوراهای اسلامی، ضرورت‌ها، پیش شرط‌ها و مکانیزم‌های اجرایی*. انتشارات محدود، وزارت کشور.  
وولف، ویرجینیا (۱۳۹۷). *اتاقی از آن خود*. ترجمه هدی طاهری، تهران: انتشارات نیک فرجام.

- Ibn Hanbal, Ahmad.(2001).*Musnad Ahmad*,Vol.34,Beirut: Al-Resaleh Institute.
- Abu Syuqqah ,A.H.(1990).*Tahrir al-mar'ah: fi ashri al-risalah*, Beirut:Dar Al-Qalam.
- Tirmidhi,M.(n.d.).*Jami at-Tirmidhi*, Beirut:Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Jalali,S.(2004).*A Muslim woman:a veil or the presence of a community*,Tehran:Al-Zahra University.
- Hakimi,M.(1999). *Defending women's rights*, Mashhad:Astan Quds Razavi.
- Khomeini,R.(1996). *Sahifeh Nour*, Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Darozeh,M.(1964). *Ahsan Al Hadith*,Cairo:Dar Ihya al-Kutub al-Arabiya.
- Rahnavard,F.(2006). *Participation paradigm*,Tehran: Institute for management and planning studies.
- Sarokhani,B.(1991). *Encyclopedia of social sciences*, Tehran:Keihan Publications.
- Sandberg, Sheryl.(2016).Lean in : women, work, and the will to lead, translated by Mostafa Tarski & Sara Arjmand, Tehran: New Development.
- Shams al-din ,M.(n.d.). Critical issues in women's jurisprudence,Beirut:Al-Manar Institute.
- Shams al-din ,M.(۱۹۹۷). *The Limits for Female Political Participation in Islam*, translated by Mohsen Abedi, Tehran:Besat Publications.
- Tabatabai,M.H.(1991). *Tafsir al-Mizan*, translated by Mohammad-Taqi Mesbah-Yazdi, Vol.2, Tehran: Scientific and Intellectual Foundation of Allameh Tabatabai.
- Fadlallah, M.H.(2000). *World of woman*, Qom: Dar al-Mellak.
- The Constitution of the Islamic Republic of Iran.
- Law of the Fourth Development Plan of the Islamic Republic of Iran.
- Law of the Third Development Plan of the Islamic Republic of Iran.
- Garoudi,R.(2000).*How women come to power*, translated by Amanullah Tarjoman, Tehran:Parshkooch Publications.
- Gorji,M.(1994).*Women and Government*, Farzaneh magazine, No.1, Autumn 1994.
- Al-Bukhari,M.(n.d.).*Sahih al-Bukhari*,Vol.2,Beirut:Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Majlesi,M.B.(n.d.).*Bihar al-Anwar*, Beirut:Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Mohseni,A.(1997).*Introducing and criticizing theories in social psychology*, Social Sciences Letter,No9&10.

Meshkini,A.(2007).*Osul of Terms*, Qom:Al-Hadi.

Mosaffa,N.(1999). *Political parties, the role and importance of women from the perspective of gender, partisanship and political development*,First book,Hamshahri Publications.

The Charter for Women's Rights and Responsibilities in the Islamic Republic of Iran approved by the Supreme Council of the Cultural Revolution, Islamic Parliament Research Center of The Islamic Republic of IRAN.

Mir Mohammadi,D.(1998). *Islamic councils, necessities, preconditions and executive mechanisms*,limited publishing, Ministry of Interior.

Woolf, V.(2018). *A room of one's own*, translated by Hoda Taheri, Tehran: Nikfarjam.

<http://iranwomen.org>.

<http://qomsociology.blogfa.com>.

University of Tehran faculty of literature and Human science.